



در امتداد تاریکی

خدمتکار سارق!

از حدود یک ماه قبل وقتی به عنوان خدمتکار در منزل آقای مهندس مشغول کار شدم ،اعضای خانواده اش خیلی به من ابراز محبت می کردند تا جایی که ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان ،این ها بخشی از اظهارات زن ۴۰ ساله ای است که به اتهام دستبرد به منزل صاحبکارش دستگیر شده بود. این زن جوان در حالی که بسیار به نظر پشیمان به نظر می رسید درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری نجفی مشهد گفت: در یک خانواده پرجمعیت دریکی از شهرک های اطراف مشهد به دنیا ادم و تا کلاس اول راهنمایی درس خواندم اما علاقه چندانی به مدرسه نداشتم و به همین خاطر هم ترک تحصیل کردم. هنوز ۲۰ بهار بیشتر از عمرم نگذشته بود که با پسریکی از همسایگانمان ازدواج کردم. ولی خیلی زود فهمیدم که شوهرم به مواد مخدر اعتیاد دارد. روزهای سختی را می گذراندم اما چاره ای جز سکوت نداشتم تا این که بالاخره او به دلیل عوارض ناشی از مصرف مواد مخدر کارش را از دست دادو بیکار شد چرا که دیگر نمی توانست در محل کارش حضور یابد.

در این شرایط بود که من با ۲ فرزند از او جدا شدم و منزلی را در بولوار رسالت مشهد اجاره کردم تا به زندگی خودم ادامه بدهم و فرزندم را بزرگ کنم ولی اوضاع اقتصادی خانواده خودم نیز مناسب نبود. آن ها نمی توانستند از نظر مالی به من کمک کنند. این بود که باجست وجود فضای مجازی متوجه شدم یکی از اهالی بولوار پیروزی مشهد در پی استخدام زنی برای امور نظامتی و خدماتی است. خیلی زود با شماره تلفن آقای مهندس تماس گرفتم و به منزل اورفتم.

مهندس وقتی سرگذشتم را فهمید مرا استخدام کرد. من هم که شغل خوبی پیدا کرده بودم بلافاصله در منزل او مشغول کار شدم ولی هنوز دو روز از حضورم در آن منزل نمی گذشت که فهمیدم آقای مهندس مقدار زیادی دلار و سکه های طلا دارد. آن شب زمانی که به خانه ام بازگشتم و سوسه سرقت دلارها به سراغم آمد. خیلی با وجدان خودم در گیر بودم ولی با خودم فکر کردم از میان این همه دلار اگر یک قطعه یکصد دلاری را سرقت کنم آن ها متوجه نمی شوند. به همین دلیل روز بعد وقتی همه اهالی آن خانه به دنبال کارهای خودشان رفتند. به سراغ کمد رفتم و با آن که خیلی عذاب وجدان داشتم اما چندروز بعد دوباره با همان وسوسه های شیطانی دست به گریبان شدم و این بار یک قطعه از سکه های طلا را برداشتم. برای آن که کسی به من مشکوک نشود هر روز به سر کار می رفتم ولی دیگر سرقت از دلار ها بر ایم به یک عادت تبدیل شد تا جایی که دیگر هر روز یک قطعه از دلار ها را به پنهان نظافت اتاق می ربودم.

ولی خبر نداشتم که آقای مهندس متوجه سرقت شده و به طور پنهانی دوربین مدار بسته را در خانه نصب کرده است. این بار وقتی یک قطعه از دلارها را در جیب مانتوی خودم پنهان کردم ، ناگهان فهمیدم که ماموران انتظامی کلانتری نجفی به منزل مهندس اسامه اند و مرا به خارج از خانه فرا خواندند و به کلانتری هدایت کردند. این جا بود که دلار سرقتی از جیبم کشف شدو عوامل انتظامی هم فیلم صحنه سرقت را به من نشان دادند.

دیگر هیچ راه گریزی نداشتم و به سرقت دلارها اعتراف کردم اما اکنون خیلی پشیمانم چرا که خانواده مهندس بیش از اندازه به من محبت می کردند تا جایی که حتی لباس های نوو اسباب بازی برای فرزندم می خریدندو حقوق بیشتری هم به من می دادند. حالا نمی دانم چگونه به چشمان اعضای این خانواده نگاه کنم . از سوی دیگر نیز نمی توانم در جای دیگری کار کنم چرا که کسی به من اعتماد نمی کند و من نه تنها شغلم را از دست دادم بلکه اعتماد را هم از بین بردم ای کاش ...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: با دستورویژه سرهنگ محمدولیان (رئیس کلانتری نجفی مشهد) ماجرای شکایت آقای مهندس در دایره مددکاری اجتماعی مورد کنکاش های پلیسی قرار گرفت و در نهایت شاکي پرونده پس از دریافت دلارهایی که از منزل زن جوان کشف شد از شکایت خود صرف نظر کردو بدین ترتیب تحقیقات پلیس در این پرونده سرقت به پایان رسید.

براساس ماجراهای واقعی در زیرپوست شهر

با دستگیری عامل جنایت در مشهد لورفت

برادرکشی برای فیلم تاج و تخت!



عکس اختصاصی خراسان

تا فیلم تاج و تخت را ضبط کنم اما بعد از چند ساعت فهمیدم فلش در پشت سیستم ماهواره نیست . من که احتمال می دادم برادرم آن را برداشته باشد موضوع را به پدرم گفتم ولی برادرم برداشتن فلش را انکار کرد. همین موضوع به درگیری انجامید و من که عصبانی بودم او را با ضربات چاقو در ورودی پارکینگ به قتل رساندم و به منزل یکی از دوستانم در چناران گریختم. اما روز بعد وقتی به مشهد بازگشتم ناگهان خودم را در محاصره کارآگاهان پلیس آگاهی دیدم و دستگیر شدم. بنابر گزارش روزنامه خراسان ،تحقیقات بیشتر با دستورهای ویژه قاضی خاکشور (قاضی شعبه ۲۵۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد) برای کشف زوایای پنهان این پرونده جنایی همچنان ادامه دارد.

و به سرنخ هایی رسیدند که بیانگر اختفای متهم در شهرستان چناران بود اما قبل از آن که کارآگاهان عازم چناران شوند،با بهره گیری از فن آوری های پلیسی به اخباری دست یافتند که نشان می داد متهم به قتل به سوی مشهد در حرکت است بنابر این وی زیر چتر اطلاعاتی پلیس قرار گرفت و تا خیابان های هسته مرکزی شهر درنی شد. بنابر گزارش اختصاصی روزنامه خراسان طولی نکشید که گروهی از کارآگاهان به سرپرستی سروان آرمین منفردوار عمل شدندو متهم فراری را دریک عملیات غافلگیرانه به دام انداختند. این متهم شب گذشته ضمن اعتراف به قتل گفت: با برادرم از قبل دچار اختلاف بودم اما شب حادثه یک فلش را به ماهواره زدم

سید خلیل سجادیپور
info@khorasannews.com



جوان ۲۱ ساله ای که برادر بزرگترش را برای گم شدن فلش حاوی فیلم تاج و تخت در منطقه مجیدیه به قتل رسانده بود، بعد از ۴۸ ساعت ر صد های اطلاعاتی توسط کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد دستگیر شد و راز این جنایت را فاش کرد .

به گزارش اختصاصی خبرنگار ارشد روزنامه خراسان ،صبح بیست وسوم اسفند، خبر وقوع جنایتی درپارکینگ یک منزل مسکونی ،قاضی ویژه قتل عمد مشهد را به محل حادثه کشاند. بررسی های تخصصی بیانگر آن بود که جوانی حدود ۳۰ ساله با ضربات

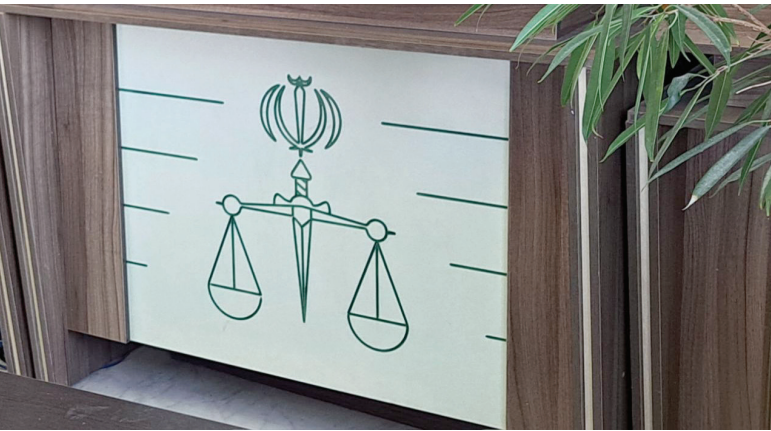
بود. ناگهان صدای وحشتناک شلیک گلوله با صدای شکستن شیشه خودرو در هم آمیخت و چشم های هراسان رهگذران به سوی محل شلیک خیره شدند. جوان موتورسوار سپس به سمت دیگر خودرو رفت و صحنه شلیک دوباره تکرار شد. او بار دیگر گلوله ای را از سمت سر نشین خودرو به پهلوی راننده شلیک کرد و در حالی که مر د ۵۵ساله از شدت درد به خود می پیچید او در عقب ۲۰۶ آ گشودو کیف ساسونتی را که در صندلی عقب قرار داشت برداشت.

موتور سوار مسلح پس از ارتکاب این جنایت وحشتناک بر ترک موتور سیکلت همدستش نشست که با موتور روشن در محل جنایت منتظر وی بودو بدین ترتیب آنان در میان بهت وحیرت عابران و رانندگان عبوری از محل حادثه گریختند. هنوز ۳۰ ثانیه از این اقدام جنایتکارانه نگذشته بود که راننده مجروح، خودرو را با زحمت زیاد به حرکت در آورد تا بتواند با رسیدن به مرکز درمانی خود را از مرگ نجات دهد اما بیش از ۴۰۰ متر مسافت به سمت وکیل آباد عرا

سید خلیل سجادیپور- حکم قاطع دادگاه کیفری یک خراسان رضوی در پرونده جنایت مسلحانه آپاچی سوارانی صادر شد که ۱۰ سال قبل در یک ماجرای تکان دهنده ، مرد طلا ساز مشهدی را با شلیک گلوله در پشت فرمان خودرو و با انگیزه سرقت طلا به قتل رسانده بودند.

به گزارش اختصاصی خبرنگار ارشد روزنامه خراسان ،بعد از ظهر چهاردهم مرداد سال ۱۳۹۴ بود که مرد ۵۵ساله ای سوار بر خودروی پژو ۲۰۶ وار د لاین فرعی بولوار وکیل آباد شدو به سمت پل زیر گذر کیل آباد ۸ حرکت کرد اما ناگهان دو جوان موتور سوار با سرعت وحشتناکی مقابل خودروی پژو پیچیدند و مسیر حرکت او را سد کردند. راننده پژو وحشت زده پدال ترمز را فشرده و آن را متوقف کرد .

در این لحظه جوان ترک نشین موتور سیکلت در حالی که سلاح کلت ما کاروفا در دست می داشت، در اقدامی سریع از موتور سیکلت پیاده شد و به سمت راننده خودرو رفت. او همچون گانگسترهای غربی لوله سلاح را در حالی به سمت راننده گرفت که شیشه های خودرو و بالا



حادثه در جهان

چت جی پی تی، از اسرار قاتل آگاه بود

یک خانواده کانادایی از چت جی پی تی و شرکت سازنده اش به دلیل اطلاع از نقشه قتل ۸ دانش آموز مدرسه ای در این کشور شکایت کرد. به نقل از ای پی نیوز، ماه گذشته در مدرسه ای در بریتیش کلمبیارد کانادا، دانش آموزی به نام جسی ون روستسلا ر ۸ دانش آموز را به قتل رساندو در نهایت خود کشی کرد. پلیس در تحقیقاتی که در مورد قاتل انجام داد به نکته عجیبی دست یافت. بررسی هانشان می داد که قاتل که از بیماری روحی رنج می برد، بارها با چت جی پی تی به عنوان مجرم اسرارش گفت و گو کرده است. او حتی در مورد تیراندازی در مدرسه با این هوش مصنوعی چت کرده بود. در این شرایط مشخص شد که شرکت اوپن ای آی (OpenAI) سازنده چت جی پی تی از این مسئله آگاه بوده است و هیچ اقدامی مبنی بر پیشگیری این حادثه انجام نداده است. به گفته پلیس، قاتل ۲ حساب کاربری در چت جی پی تی داشته است. که بعد از تیراندازی مرگبار حساب کاربری اش چت جی پی تی بسته شده بود، اما حساب کاربری دوم همچنان فعال بوده و راز قاتل را لو داده است. بر اساس این گزارش، خانواده یک دانش آموز مجروح به دلیل نقش «چت جی پی تی» در تیراندازی دسته جمعی از «اوپن ای آی» شکایت کردند. خانواده این دختر، چند روز پیش در یک دادخواست مدنی ادعا کردند که شرکت

اوپن ای آی از برنامهریزی تیرانداز برای یک حمله گسترده خبر داشته است. به گفته رسانه های کانادایی، شرکت اوپن ای آی اعلام کرده که متوجه فعالیت های شخصی قاتل شده، اما به پلیس اطلاع نداده است. در دادخواست حقوقی که در دیوان عالی بریتیش کلمبیابثبت شده، ادعا شده که اوپن ای آی اطلاعات دقیقی را درباره قاتل داشته است. این دانش آموز از چت جی پی تی برای برنامهریزی یک رویداد با تلفات جمعی استفاده کرده است. در این دادخواست آمده است که چت جی پی تی توسط جسی به عنوان یک مجرم اسرار، همکاری و متحد مورد اعتماد مورد استفاده قرار گرفته است. این هوش مصنوعی با میل و رغبت به کار برانی مانند او در برنامهریزی یک رویداد با تلفات جمعی کمک می کند. هنوز سخنگوی اوپن ای آی به این شکایت قضایی، پاسخی نداده است.



مرد ایرانی و همدستش که همسر جوانش را در انگلیس به قتل رسانده بودند، در دادگاه سلطنتی مجرم شناخته شدند. به نقل از ای بی سی نیوز، آوریل سال گذشته، پلیس کاردیف انگلیس در جریان مفقودن جوان ۳۷ ساله ایرانی به نام پریا قرار گرفت. با این گزارش پلیس تحقیقات خود را آغاز کردو مشخص شد که این زن مدیریک سالن زیبایی و آرایشی بود، از مدت ها قبل توسط همسر ایرانی خود به نام علیر ۴۲ ساله اختلاف داشت، تهدید می شد. تحقیقات برای یافتن او آغاز شد اما جسد وی ۲ روز بعد در باغ پشتی خانه ویلایی همسرش پیدا شد. در این شرایط پرونده روند دیگری به خود گرفت و پلیس علیرضار ادستگیر کرد. گزارش پزشکی قانونی نشان داد که این زن با چند ضربه چاقو به سر و گردن به قتل رسیده است. علیرضا در بازجویی های پلیسی اعتراف کرد که من و پریا در سال ۲۰۱۰ از ایران به بریتانیا مهاجرت کرده و از دواج کر دیم. اما این اواخر زندگی ما به پایان رسیده بود. از مدت ها پیش با ننی در ایران آشنا شده بودم و این آشنایی تا جایی ادامه پیدا کرد که قصد داشتم از پریا جدا شوم. اما او سدره ام من بود، بدین ترتیب نقشه قتل او را کشیدم. ابتدا نقشه ام این بود که او را به ایران بفرستم

قاتل زن ایرانی در انگلیس همسرش بود

و در آنجا او را به قتل برسانم اما این نقشه عملی نشد. او در ادامه گفت: با عمه ام که در شهر دیگری در انگلیس زندگی می کرد، تماس گرفتم و از او کمک خواستم. اوتادیک ست چاقوی آشپزخانه و مقداری اسید برای از بین بردن جسد خریدم. به بهانه حل مشکلات پریا را که از مدت ها پیش خانه را ترک کرده بود، به خانه کشاندم و در موقعیت مناسب او را با ضربات چاقو به قتل رساندم و با عمه ام که برای کمک به من از لندن به کاردیف آمده بود، او را در باغ پشت خانه دفن کردیم تا در فرصت مناسب جسد را با مواد شیمیایی از بین ببریم. بر اساس دادگاه سلطنتی کاردیف، امروز علیرضاو همدستش در جلسه دادگاه به جرم قتل و مشارکت در آن مجرم شناخته شدند.

